

# علم أصول الفقه

۵۳

۹۱-۱۲-۶ مبادی مختص تصدیقی

دراسات الاستاذ:  
مهدي الهادي الطهراني

## مفهوم ذاتی بودن حجیت قطع

- وقتی انسان به امری یقین دارد، باید بر طبق یقین خودش عمل نماید.
- «باید» در این صورت، یک مفهوم اعتباری است؛ اما مفهومی است که ریشه در واقعیت دارد و با تحلیل خود یقین به دست آمده است.

## مفهوم ذاتی بودن حجیت قطع

- در تحلیل «یقین» در می‌یابیم که واقع به طور کامل برای صاحب یقین منکشف می‌شود و او هیچ ابهام و تردیدی در آن ندارد. زیرا کوچک-ترین تردیدی، وجود یقین را نفی می‌نماید.
- پس در موارد یقین، صاحب یقین واقع را کاملاً می‌بیند. و چون چنین است فطرت او - و به تعبیر دقیق‌تر عقل او - حکم می‌کند عمل خویش را بر اساس آن واقع سامان دهد.
- بدین ترتیب مفهوم «باید» حاصل می‌گردد.

## مفهوم ذاتی بودن حجیت قطع

- همین مفهوم «باید» باعث می‌گردد حجیت یقین مصداقی از حجیت لغوی باشد.
- از این رو، اگر از شخص متیقن پرسند: به چه دلیل چنین رفتار کردی؟ با یقین خویش احتجاج می‌کند و عمل خویش را توجیه می‌نماید.
- همان طور که اگر بر طبق یقین خویش عمل ننماید، دیگران می‌توانند علیه وی احتجاج نمایند و او را مورد عتاب و سرزنش قرار دهند.

## مفهوم ذاتی بودن حجیت قطع

- به طور مثال وقتی می‌دانیم در برابرمان آتشی است و یقین داریم آتش می‌سوزاند و سوختن برای بدن مضر است، عقلمان حکم می‌کند: باید از آتش اجتناب نماییم. این باید، یک مفهوم اعتباری است که بر اثر واقع‌نمایی یقین حاصل شده است. ویژگی و خصوصیت «یقین» که انکشاف کامل از واقع است، باعث تشکیل چنین مفهوم اعتباری می‌شود.

## مفهوم ذاتی بودن حجیت قطع

- به عبارت دیگر قطع یک حالت وجدانی است که ویژگی‌ها و خصلت‌هایش را با عقل نظری درک می‌کنیم. خصلت قطع و یقین در نزد عقل نظری، باعث اعتبار حجیت به معنای «لزوم تبعیت» در نزد عقل عملی خواهد بود.
- وقتی واقع بدون هیچ ابهامی منکشف می‌شود - یعنی عقل نظری حکم می‌کند: واقع چنین است - عقل عملی مفهوم «باید» یا «لزوم تبعیت» را ادراک می‌نماید. به همین دلیل اگر بر طبق یقین عمل نماییم، حجت خواهیم داشت؛ یعنی یقین قابل احتجاج است.

## مفهوم ذاتی بودن حجیت قطع

- بایدها و نبایدها - که مفاهیم اعتباری اند - اگرچه ریشه در هستها و نیستها دارند، منشأ اراده‌ی انسان می‌شوند. واقعیت - هست و نیست - بدون باید و نباید به تعبیر علامه طباطبایی نقشی در اراده‌ی انسان ایفا نمی‌کند. بین اراده و فعل ارادی، بایندی وجود دارد که می‌تواند ریشه در هست و واقعیت داشته باشد.

## مفهوم ذاتی بودن حجیت قطع

- بدیهی است اثر تکوینی یقین - مثل اجتناب از آتش در مثال مذکور - یک عمل خارجی و تکوینی است، همان گونه که یقین صاحب یقین نیز امری غیر اعتباری است.
- تنها چیزی که در اینجا امری اعتباری به شمار می آید و بین آن دو امر واقعی واسطه می شود، لزوم تبعیت از یقین است که با تحلیل خود یقین به دست آمده است.



## مفهوم ذاتی بودن حجیت قطع

- البته معنای اعتبار عقل، ضرورت تحقق چنین امری در خارج نیست. مسلماً هر انسان عاقلی به صورت طبیعی بر طبق حکم عقل عمل می‌کند و گاه هیچ فاصله‌ی زمانی بین یقین و عمل وی نیست؛ اما عمل او به واسطه‌ی اراده‌اش صورت می‌گیرد.
- او می‌تواند بر طبق حکم عقل عمل کند و می‌تواند عمل نکند و این طور نیست که بدون اختیار و به صورت جبری و قهری به عمل پردازد. بنابراین آنچه در اینجا مطرح کردیم، تحلیلی است از آنچه در ذهن صورت می‌گیرد و کاری به عمل صاحب یقین در خارج نداریم.

## مفهوم ذاتی بودن حجیت قطع

- با این وصف معلوم می‌گردد ذاتی بودن حجیت یقین به معنای ذاتی باب ایساغوجی نیست. ذاتی بودن از لوازم اعتباری یقین است. هر جا یقین وجود داشته باشد، عقل چنین چیزی را اعتبار می‌کند. این ذاتی را ذاتی باب برهان می‌گویند.

## مفهوم ذاتی بودن حجیت قطع

- بنابراین ثبوت حجیت برای قطع ضروری است. این ضرورت، ضرورت وجود است که مقابل امکان و امتناع قرار دارد.
- یعنی نه حجیت یقین امکان خاص دارد که بتوان حجیت را برای آن جعل کرد یا از آن سلب نمود و نه حجیت برای آن ممتنع است.
- یقین حتماً باید حجت باشد؛ بر خلاف غیر یقین، اعم از ظن و شک و وهم، که حجیت برای هیچ یک از آنها ضروری نیست.

## مفهوم ذاتی بودن حجیت قطع

- بله همان گونه که عقل در ظن و شک و وهم حکم به «باید» ندارد، «نبایدی» را نیز صادر نمی‌نماید.
- یعنی نه حجیت برای آنها ضروری است و نه ممتنع.
- در چنین جایی که عقل امکان «باید» و «نباید» را می‌پذیرد، شارع اقدام به جعل باید و نباید می‌کند.
- بنابراین اگر ظن یا وهم یا شک حجتند، منشأیی برای حجیت خویش دارند.

## مفهوم ذاتی بودن حجیت قطع

- ر.ک: مهدی هادوی تهرانی، تأملات فی علم اصول الفقه، کتاب اول، دفتر دوم، مبحث «تعریف علم اصول» و مبحث «حجت».
- ر.ک: مهدی هادوی تهرانی، تأملات فی علم اصول الفقه، کتاب اول، دفتر دوم، مبحث «اعتباریات».
- . مولویت خداوند تبارک و تعالی، اگرچه با مولویت عقلایی تفاوت دارد، اما همچون آن در زمره‌ی اعتباریات قرار دارد. مولویت خداوند از اعتباریات نفس الامری و مولویت عقلایی از اعتباریات محض به حساب می‌آید.
- . عقلا به هدف تنظیم روابط انسان‌ها و روابط انسان با محیط اقدام به مجموعه‌ای از اعتبارات می‌کنند. اساس زندگی عقلایی بر همین اعتبارات استوار است. به بیان دیگر اگر شاخص‌ترین تمدن بشری، قانون و قانون مندی باشد، آنچه به عنوان قانون در جوامع بشری مطرح است، در زمره‌ی همین اعتبارات قرار می‌گیرد و تمام حیات و هویت بشری را تشکیل می‌دهد.
- همان طور که در مبحث مبادی تصویری (دفتر دوم از کتاب اول) ذکر نمودیم، اهمیت اعتباریات از تکوینیات بیشتر است زیرا آنها زمینه‌ی پیدایش اراده را فراهم می‌آورند.

## مفهوم ذاتی بودن حجیت قطع

- یکی از مفاهیم اعتباری محض بعد از اجتماع، مفهوم مالکیت است. مالکیت نه در خارج مابازاء دارد و نه منشأ انتزاع. یعنی در خارج یک امر واقعی که در مقابل این مفهوم باشد یا این مفهوم از آن انتزاع شده باشد، وجود ندارد. بنابراین اگر فروشنده کتابی را به خریدار می‌فروشد و مالکیت از فروشنده به خریدار منتقل می‌گردد، تغییری در امر واقعی رخ نمی‌دهد. آنچه تغییر می‌کند صرفاً یک اعتبار است. به تعبیر علامه این اعتبار توهمی است که عقلاً به هدف خاصی می‌سازند و البته آثاری بر آن مترتب می‌شود. از جمله‌ی آثار آن، جواز تصرف مالک در مال و عدم جواز تصرف دیگران در آن است. تصرف دیگران منوط به اجازه‌ی مالک است.

## مفهوم ذاتی بودن حجیت قطع

- برخی اصطلاح «کشف» را در مثل این موارد به کار می‌گیرند؛ اما باید توجه نمود که اگر مقصود از کشف، انفعال کامل ذهن نسبت به یک امر خارجی عینی باشد - مثل آنچه در مفاهیم ماهوی وجود دارد - به کارگیری این اصطلاح در اینجا صحیح نیست. اما اگر مراد از کشف، مفهومی اعم از آن چیزی باشد که در اعتباریات نفس الامری و مفاهیم ماهوی صورت می‌گیرد، استفاده از این اصطلاح مانعی ندارد. بدیهی است در اصطلاح اول ذهن فقط همچون آینه‌ای است که صورت‌ها در آن نقش می‌بندد. ولی در اصطلاح دوم ذهن اضافه بر این که می‌تواند نسبت به واقع منفعل باشد، می‌تواند بر اساس معیارهایی به ساخت مفاهیم پردازد. در جای خودش بیان شده که ذهن در ساخت این نوع مفاهیم مضطر است. مقصود از اضطرار این نیست که هیچ نوع اختیاری وجود ندارد، بلکه مقصود این است که فطرت و عقل انسان و به یک معنایی معیارهایش اقتضا می‌کند او به درک چنین مفاهیمی نایل آید.

## مفهوم ذاتی بودن حجیت قطع

- عقل نظری در حکم خویش صرفاً کاشف است و از نظر صاحب یقین هیچ نوع دخالتی در واقعیت ندارد.
- تقسیم عقل به نظری و عملی به اعتبار مدرک است. عقل نظری را نظری گویند چون هست و نیست را ادراک می‌کند و عقل عملی را عملی گویند، چون باید و نباید را درک می‌کند. همه‌ی بایدها و نبایدها اعتباری‌اند، چه از اعتباریات نفس الامری باشند و چه از اعتباریات محض. اعتباریات نفس الامری برگرفته و حاصل امور حقیقی و تکوینی‌اند. یعنی در ازای هر مدرک عقل عملی در این صورت، یک یا چند مدرک عقل نظری وجود دارد.



## مفهوم ذاتی بودن حجیت قطع

- اشاره کنیم که امام راحل در تعلیقات بر کفایه که تحت عنوان انوار الهدایه به چاپ رسیده، مطلب فوق را به تعبیر زیر بیان کرده است: حجیت از لوازم ماهیت یقین نیست؛ از لوازم وجود یقین است. آنجا که یقین در خارج تحقق می‌یابد - یعنی کسی دارای یقین می‌شود - حجیت تحقق پیدا می‌کند. پس حجیت لازم ماهیت نیست که با فرضش حجیت لازم آید - مثل زوجیت برای اربعه که با فرض اربعه، زوجیت محقق است -
- نکته‌ی دیگری که امام در آنجا فرموده، مجعول بودن حجیت است. وی می‌گوید: حجیت همیشه مجعول است. ظاهراً مقصودش از این عبارت، اعتباری بودن حجیت است. حجیت به نحوی از انحا اعتبار می‌شود؛ اگر چه این جعل و اعتبار به حکم عقل باشد و نیاز به جاعل دیگری مثل شارع یا عقلا نباشد که در مورد یقین چنین است.

## مفهوم ذاتی بودن حجیت قطع

- از این رو، اگر حیوانی مثل گوزن، شیری را ببیند یا وجود آن را در نزدیکی خود احساس کند، ما در تحلیل احساس او حکم می‌کنیم: باید از شیر فرار کند؛ همان گونه که او به تبع غریزه‌ی خویش چنین می‌کند. گوزن به حکم احساس خویش عمل کرده، اما آیا مفهوم «باید» را که جدای از عمل او است، می‌فهمد؟ این ویژگی یعنی ساختن مفاهیم انتزاعی برای انسان ممکن است.
- در ذاتی باب برهان، لوازمی را که در پی یک شیء حاصل می‌شود، ذاتی می‌گویند اگرچه ذاتی به معنای باب ایساغوجی نباشد.

## مفهوم ذاتی و اصطلاح شهید صدر

- شهید صدر اصطلاحی در اینجا به کار برده که در نزد شاگردانش به دو صورت تفسیر شده است. این اصطلاح در یک تفسیر کاملاً درست و منطبق بر اصطلاح فلاسفه است و در تفسیر دیگر نادرست و منطبق بر اصطلاح گروهی از متکلمان است.

## مفهوم ذاتی و اصطلاح شهید صدر

- شهید صدر فرموده است:
- حجیت یقین در لوح واقع وجود دارد و لوح واقع اوسع از لوح وجود است.
- اوسع بودن لوح واقع به دو گونه تفسیر می شود:

## مفهوم ذاتی و اصطلاح شهید صدر

- ۱. چیزهایی واقعیت دارند، اما در لوح وجود نیستند. یعنی دایره‌ی واقعیات وسیع‌تر از دایره‌ی موجودات است.
- در این صورت بین وجود و عدم، واسطه‌ای به نام واقعیات قرار دارد که اگر چه وجود ندارند، معدوم محض هم نیستند.

## مفهوم ذاتی و اصطلاح شهید صدر

- این تفسیر منطبق بر نظریه‌ی **حال** است که برخی متکلمان قایل به آن بودند. در جای خودش - فلسفه - رد این نظریه بیان شده است.